

تا خود را از هرچه غیر علمی است برهانی

# فلسفه گردش هستی در اشکال مرگ و زندگی به بیان علوم

پروفسور رضا آیرملو

آورده و رویش گنها و میوه های بیشتری را سبب میشود. این همه در عین حال، حاوی این نوید مهم هم هست که:

- بدون تردید، در روزی از روزها، سالها و قرنهای آینده، این رویش و باروری رو به رشد، میوه های منطقی و علمی جدیدتری را برای حل و فصل مسائل فلسفی و سؤالات اساسی بشر به بار خواهد داد.

بدین معنی، **توسعه و تکامل علم و منطق**، به تنهایی این نوید امیدبخش را به همراه می آورد که در زمانی نه چندان دور، کشفیات و یافته های جدید و جدیدتر علمی و فلسفی، انسان را از بسیاری از ناآگاهی هایش، و هم از آنرو از بسیاری از دلگیریها، نگرانیها و اضطرابات فلسفی اش خواهد رهانید و شادی درک و فهم وجود خود و جهانش را به وی خواهد چشاند.

روند رو به رشد یافته های علمی همچنین نوید میدهند که این تحولات جدید به قدری مهم و تعیین کننده عمل خواهند کرد که در فردای یکی از این اتفاقات و موفقیتهای تاریخی، **جهنم جهالت فلسفی** امروزی به یکباره جای خود را به **بهشت آگاهیهای فلسفی و علمی** خواهند داد.

### **(دو) احتمال جهش در جریان تکوین بیولوژیکی نوع انسان**

دیدیم که بر اساس دستاوردهای علمی، همه چیز از ماده اولیه ای که در زمان بیگ بنگ رو به توسعه انفجاری نهاده به وجود آمده است. این ماده در مدت 13,798 میلیارد سال گذشته به اشکال مختلف هستی تبدیل و تقسیم شده، و از آن تاریخ هم بدون هرگونه توقف در جریان یک تکوین مستمر تاریخی تحول یافته و می یابد.

قانونمندیهای ناظر بر این نردبان تکوین تاریخی نشان میدهند که در این پروسه پیدایش، جمادات به جانداران، و جانداران هم از سلولها و مولکولهای تک هسته ای به پر هسته ای تبدیل شده اند. فرض بر این است که در روی این خط همه شمول جهانی، در کره زمین ما خطوط مختلفی از تکوین و تبدیل به وجود آمده و بر روی این خطوط، رده ها و انواع گیاهان و حیوانات پدید آمده اند. از آن پس نیز، بر روی یکی از این خطوط، گیاهان به حیوانات، و حیوانات هم به انواع تکامل یافته تر تا انسانها و انسانهای امروزی، تبدیل شده اند.

دیدیم که تغییر، تکوین و تبدیل، ذاتی ماده و همه اشکال ماده است و بدون وقفه ادامه یافته و خواهد یافت. در نتیجه، با وجود این قانونمندی های ذاتی و بدون تعطیل ماده:

- باید دیر یا زود منتظر پیدایشهای جدیدی از انواع جدیدتر موجودات، از آنجمله انواع جدیدتر انسانهای هوشمند بود.

\*\*\*

شواهد موجود همچنین نشان میدهند که این نردبان تکامل هیچ نقطه پایانی و حداکثری ندارد، و تا جا و مرحله بینهایتی که معلوم نیست تا به کجا ختم خواهد شد، ادامه خواهد یافت. نگاهی به گذشته این دوره تحولات نجومی نشان میدهد که تا کنون نه تنها هیچ شواهدی دال بر توقف یا کند شدن این جریان تکوین و تبدیل به ثبت نرسیده، بلکه بر عکس، همه شواهد موجود این گذشته نجومی خلقت و پیدایش نشان میدهند که جریان تکامل در طول زمان هر چه بیشتر سریعتر هم شده است.

براساس این گذشته نجومی همچنین احتمال اینکه در زمانی فعل و انفعالات درون ماده به نقطه ایست برسند، به هیچ وجهی نه قابل پیش

بینی و نه قابل تحقق است. قابل تحقق نیست، چرا که در فصول پیشین توضیح دادیم که:

- تغییر، تکوین و تبدیل، خصلت درونی و ذاتی ماده است و تا زمانی که ماده یا ماتریا وجود دارد، این تحولات نیز ادامه خواهد یافت، یا باید ادامه بیاید.

این است که تصور اینکه روزی جریان صعود موجودات به پله های بالاتر تکامل متوقف شود، به معنی تصور نابودی ماده، و این نیز به طور منطقی به معنی نابودی همه جهان و هستی موجود، و در نتیجه، با توجه به داده های علمی موجود، ناممکن است. ناممکن است، چرا که علم ثابت کرده که ماده نه از بین می رود و هیچ می شود و نه از هیچ به وجود آمده یا می آید.

\*\*\*

در بستر این واقعیت های ناظر بر هستی و تکامل هم هست که تا کنون این پیمایش تاریخی موجودات از ساده به پیچیده و از کمتر هوشمند تا هوشمندتر پیش رفته است. مقایسه تغییر و تکوین از انسانان تا به انسان هوموسپین امروزی همچنین نشان می دهد که تکامل بیولوژیکی مغز از جمله از قانونمندی های ناظر بر این جریان تکوین تاریخی است. بدین معنی، مغز حیوانات و به تبع آن، مغز انسان و از آن میان، مغز انسان هوشمند هوموسپین امروزی گام به گام در حال تکوین و افزایش ظرفیت بوده است. این به معنی ادامه تکامل تاریخی انسان در یک نگرش درازمدت است. این نتیجه گیری این امید را به وجود می آورد که:

- در روزی از روزهای یک فردای نامعلوم، تکامل بیولوژیکی انسان تا به جایی خواهد رسید که انسان فرادهای دور و نزدیک به بسیاری از

سوالات بی پاسخ کنونی پاسخی در خور علمی خواهد یافت. که انسان روزی از روزهای یک فردای نامعلوم، قادر به یافتن پاسخ سوالات فلسفی‌اش خواهد شد و کلید بیولوژیکی لازم برای گشایش رمز و راز تونل زندگی را به دست خواهد آورد.

میدانیم که اگر این موفقیتها حاصل شوند، خود به خود این تونل تاریک فلسفی نیز روشن خواهد شد و شاید هم از طریق، شناسائی و کنترل قوانین تونل زندگی به کنترل بشر هم در خواهد آمد. بدین ترتیب، رشد و تکوین بیولوژیکی انسان و به تبع آن دستیابی وی به بخشی از اسرار جهان به عنوان نتیجه این تکوین تاریخی، درهای جدیدی را به سوی یک بهشت فلسفی بشر خواهد گشود. و نه تنها انسان را قادر به درک و فهم هویت هستی و منشأ پیدایش خود و جهانش خواهد ساخت، بلکه همچنین اختیار انتخاب آگاهانه راه زندگی را هم در اختیارش قرار خواهد داد.

در واقع، یک چنین رشد و باروری بیولوژیکی یکی از اتفاقات ممکن است که میتواند در هر آینده‌ای به رهائی انسان از این تونل فلسفی منجر شود و همراه با آن، انسان را وارد دنیای دیگری با دانش و دانائی و منطق متفاوتی بکند.

یک چنین اتفاقی خواهد توانست سرنوشت انسان و تاریخ زندگی فردایش را از نو بنویسد.

\*\*\*

با توجه به بحثهای پیشین، حالا میدانیم که نه فقط موجودات زنده، بلکه حتی همه موجودات از بیجان و جاندار روی خطوط تکامل تاریخی در حال تغییر و تحول اند. میدانیم که با پیدا شدن اولین سلولهای اولیه، قانون تکامل تاریخی، همچون یک غریزه فطری همه اشکال و انواع موجودات به طور مشخص تر عمل کرده، و نه فقط گام به گام شتاب و

سرعت بیشتری یافته، بلکه حتی در مسیر خود نیز باعث پیدایش انواع مختلف جانداران جدید شده است.

میدانیم که همه موجودات زنده بر اثر این گرایش ذاتی و جهانشمول ماده از تکامل همدیگر زاده یا خلق شده اند. بدین معنی، ابتدا سلولهای اولیه از مواد معدنی به وجود آمده و بعداً این سلولها به تکرار تکثیر یافته اند. در این پروسه اما، به تصادف هم شده، سلولهای متفاوتی پدید آمده و از آنها مولکولها و انواع جدیدی که تطبیق بهتری با محیط خود داشته و شانس بیشتری برای بقا، تولید و تکثیر پیدا کرده اند، بر اساس قانون "انتخاب طبیعی"<sup>104</sup> ادامه حیات داده، و رشد و تکامل یافته اند.

بدین ترتیب، از طریق دو جریان "تنازع بقا" و "انتخاب اصلح"، سلولها و تک یاخته های "اولیه به نوبه خود به راه تکامل رفته و در ادامه تکامل تاریخی خود به "پریاخته های" گیاهی تبدیل شده اند.

- گیاهان نیز به همین ترتیب، متکامل تر شده و انواع حیوانات ابتدائی را به وجود آورده اند.

- حیوانات نیز از انواع ابتدائی تا پیشرفته و پستانداران، و بعداً تا انواع میمونها و انسانهای هوشمندتر تکامل یافته اند.

هم از این رو، انسان قرن حاضر به خوبی آگاه است که وی نیز حیوانی است مثل بقیه حیوانات، منتهی با یک کمی برتریهای متمایز مغزی و مقداری توانائی های بیولوژیکی، ذهنی و جسمی ناشی از این برتریها. این برتری مغزی و بیولوژیکی از طریق قانونمندی های ناظر بر تکامل تاریخی به وی عطا شده است. در این راسته بوده که:

---

<sup>104</sup> زیر نویسهای پیشین.

- انسان در آخرین حلقهٔ تکامل تاریخی خط خود شکل گرفته، و حیوانی است تکامل یافته تر و با توانایی های مغزی بیشتر و بهتر از بقیهٔ همراهان سابقش.

اما حالا همچنین میدانیم که خط تکاملی یی که انسان را به اینجا رسانیده، نایستاده و هیچ آثاری هم برای توقفش نشان نداده است. در نتیجه، این خط تکاملی یی که انسان امروزی را به اینجا رسانیده، به راه خود ادامه میدهد و لاجرم انسان تکامل یافته تر فردا و فرداها را در نوک خود حمل کرده و خواهد کرد.

در ضمن، میدانیم که این خط تکاملی یی که انسان امروزی را در نوک خود جا داده، تا کنون موفق شده:

- هم راه تکاملی خود را بدون وقفه ادامه بدهد و،
- هم این راه تاریخی خود را سریع تر از بقیهٔ خطوط طی بکند.

چنین است که انسان امروزی در مقام مقایسهٔ خود با بقیهٔ جانداران و حیوانات، خود را در نوک یک پروسهٔ رو به رشد تکامل تاریخی می یابد. بدین معنی، انسان امروزی به اینجا رسیده و میرسد که وی محصول تکامل، آنها نه فقط حیوانات، بلکه حتی گیاهان و جمادات هم هست. که وی نه فقط از دوزیستیها، مور و ملخ، پستانداران و میمونها، بلکه همچنین از انواع جلبکها و روئیدیهای مختلف هم گذشته و تا به امروز رسیده است. که وی "از جمادی مرده و به گیاه و حیوان رسیده، و از آن نیز مرده و به انسان امروزی رسیده"<sup>105</sup> و،

---

<sup>105</sup> مولوی

- از اینهم میمیرد و خواهد مرد، یا طبق این قانونمندیها باید بمیرد، تا به انواع باهوش تر انسانها و موجودات برتر دیگر برسد.

در ضمن، دیدیم که موضوع قابل توجه در این جریان تکوین تاریخی، افزایش شتاب تحولات در دوره های بعدی تکامل است. دیدیم که هر چه زمان گذشته و میگذرد، جریان تکوین موجوداتی که در خط تکاملی بی انسان را در نوک خود حمل میکند، سرعت و شتاب افزوده تری یافته و می یابد. بدین معنی، تا آنجا که علم به دست میدهد:

- در زمانهای آتی، جریان تکامل مغزی و بیولوژیکی انسان نه فقط بدون هر محدودیت ادامه می یابد، بلکه حتی سریع تر هم رشد کرده و توسعه خواهد یافت.

بدین معنی،

- انواع انسانهای تکامل یافته تر آینده، با سرعت بیشتری باز تولید خواهند شد.

پیگیری مقایسه ای این روند رو به رشد در گذشته های تاریخی هم نشان میدهد که بشری که توانسته در عرض فقط 4-5 میلیون سال از سطح میمونها به سطح انسان امروزی برسد، لاجرم پس از 4-5 میلیون سال دیگر بسیار بیشتر از اندازه تفاوت امروزی اش با میمونها، رشد، توسعه و تکامل خواهد یافت. به بیان دیگر، تکامل انسان در 4-5 میلیون سال آینده، بسیار پیشرفته تر از حد و حدود تکامل وی در 4-5 میلیون سال گذشته خواهد بود و انسان جدید آنروز بسیار بیشتر از تفاوت امروزی اش با میمونها، در راه تکامل مغزی و بیولوژیکی اش پیش رفته و مرزهای علمی و فلسفی غیر قابل عبور امروزی را پشت سر خواهد گذاشت.



بدین ترتیب، قابل پیش بینی است که این قانونمندی طبیعی در زمانهای آتی این شانس تاریخی را به همراه خواهد آورد که انسان طراز نوین جدیدی با تواناییهای ویژه‌ای پدید بیاید و با برخورداری از این تواناییهای ویژه‌اش به بسیاری از سوالات فلسفی بدون پاسخ امروزی پاسخهای در خور بدهد.

\*\*\*

با این پیش بینی، میتوان نتیجه گرفت که انسانهای آینده نه چندان دور، بیاید بتوانند به پایه های بلندی از توانائی های بیولوژیکی و ظرفیتهای مغزی دست یابند. باید بتوانند با آنهمه توانائیهای فکری و علمی یی که رشد خواهند داد، تا حد زیادی قادر به گشودن رمز و راز خلقت شوند. اگر امروزه انسان فقط تا حد کپی کردن موجودات زنده پیش رفته، در آن صدها و هزاران سال آینده، به احتمال قوی نه فقط خواهد توانست از ترکیب مواد معدنی بیجان موجودات آلی و جاندار بسازد، بلکه حتی به احتمال قوی خواهد توانست به خلق موجودات زنده جدیدی دست بزند. این خود معنائی جز تحقق آن خیال بلند پروازانه "رسد آدمی به جایی که به جز خدا نباشد!" ندارد.

\*\*\*

یک چنین نقطه تکامل از نظر منطقی نیز نقطه عطف تکامل بشر خواهد بود. جایی خواهد بود که انسانی که تاکنون در ذهن خود انواع و اقسام خدایان را بر اساس نیازها و آرزوهای خود ساخته و پرداخته، و بر آنها نماز گزارده، این بار این ذهنیت را از طریق تکامل خود واقعیت خواهد بخشید. این بار خود بر تخت خدای خالق خواهد نشست که بر خلاف خدایان ذهنی پیشین اش، واقعیت عینی دارد و مهم تر از همه، بر خلاف

آن خدایان ذهنی، دارای گذشته و شناسنامه<sup>106</sup> است و مرجع خلقت اش هم قابل توضیح است.

این همه نشان میدهد که اگر بشر به همین روال به تکامل بیولوژیکی رو به رشد خود ادامه بدهد، باید روزی از روزها، که شاید زیاد هم دور نیست، پاسخ بسیاری از سؤالاتش را بیابد و به بسیاری از رمز و راز تونل زندگی و هستی پی ببرد، و بدینوسیله خود را از جهنم فلسفی موجود برهاند.

\*\*\*

انعکاس این تکامل قانونمند در مغز توانمند و بیولوژی پیشرفته انسان نوع فردا و فرداها میتواند به دو صورت تحقق یابد:

1. پدیدارشدن انسانهایی از نوع انسان هوموسپین منتها با توانایی های مغزی و بیولوژیکی برتر.

2. پدید آمدن نوع یا انواع تکامل یافته تری از موجودات فرا بشری.

این هر دو، هر کدام که اتفاق بیافتد، انقلاب بزرگی در درک و فهم جهان و هستی از سوی انسان آینده به وجود خواهند آورد و در اندازه ای غیرقابل پیش بینی بر شتاب رشد و تکامل آگاهیهای علمی و فلسفی بشر فردا خواهند افزود.

در آنصورت، همچنین توانائیهای طبیعی و بیولوژیکی انسان آینده با توسعه دانش و دانائی اش، در ارتباط مستقیم قرار خواهند گرفت و به طور متقابل، همدیگر را تقویت خواهند کرد. این اعتلاء کیفی البته که چراغ های پرنورتری را در تونل دور و دراز زندگی روشن خواهند

---

<sup>106</sup> ر. ک. به نتیجه گیری های پایانی کتاب اینترنتی "فلسفه هستی و منشأ خلقت"، پیشین.

ساخت. کیفیت توان علمی و فلسفی انسان برای درک و فهم خود و جهانش را به شدت و سرعت اعتلاء خواهد بخشید و روزه های جدیدی را به سوی درک و فهم این جهان و گشایش رمز و رازش خواهد گشود.

\*\*\*

اما همانگونه که ناآگاهی امروزی از اسرار جهان همچون جهنم فلسفی بشر عمل میکند، دستیابی به این اسرار نیز همانند بهشت فلسفی بشر عمل خواهد کرد. همانگونه که این جهنم فلسفی امروزی با جهنم بدون منطق الاله های مورد ادعا به تمامی متفاوت است، بهشت فلسفی فرادهای ممکن نیز به کلی با بهشت آسمانی مورد ادعا متفاوت خواهد بود.

این بهشت علمی- فلسفی به جای آنکه به پاداش تبعیت، تقلید و عبادت بنده و برده وارانۀ انسانها داده شود، دستاورد بشری خواهد بود که توان و توانمندی خود را در جریان گسترش اندیشه، توسعه دانش و تعمیق تکامل تاریخی خود به دست آورده و از این طریق، به آگاهی از اسرار هستی خود و جهانش نائل آمده است. این است که بهشت علمی و فلسفی فردا، بهشت آگاهی بشر از اسرار جهانش خواهد بود. بهشتی که در آن دیگر:

- رمز و راز هستی و پیدایش پیچیده و شگرف موجود گشوده شده،
- ماهیت هستی شناخته شده و،
- علت وجودی هستی و پیدایش توجیه شده است.

از این رو هم هست که این بهشت علمی و فلسفی با بهشت حقیر ادیان، جائی که جز خوردن، نوشیدن و همخوابگی ابدی مورد ادعا هیچ ندارد، به کلی متفاوت خواهد بود.

بهشتی خواهد بود که به جای پذیرش **تبعیت و بندگی**، به سبب رهائی بشر از پذیرش تبعیت و بردگی دینی و غیردینی برپا خواهد ایستاد. بهشتی که به تسلط سنتهای دینی و دیرینه دوره های جهالت تاریخی بر سرنوشت بشر نقطه پایان خواهد گذاشت. بهشتی خواهد بود که در آن انسان توانمند فردا و فرداها از طریق تکامل تاریخی قانونمند خود، به جای خدا و خدایان ذهنی پی که خود برای پاسخ به نیازهایش خلق کرده، ولی سپس به دامشان افتاده و گرفتار فرامین شان شده، خواهد نشست. به آنجا خواهد رسید که "به جز خدای ذهنی اش نباشد!".

### سه) احتمال تماس با "از ما بهتران"

در فصول پیشین<sup>107</sup> دیدیم که اولین مواد آلی و سلولهای زنده از طریق ترکیبات و تبدیلات مواد معدنی و غیرزنده به وجود آمده و سپس همه موجودات زنده از طریق **تکامل** پلکانی و گام به گام این سلولهای اولیه شکل گرفته اند.

میدانیم که در مورد مکان این اتفاق مهم تاریخی دو نظر مختلف ابراز میشود. به نظر جمعی از دانشمندان این رشته، این اتفاق تاریخی در جای مناسبی در روی کره زمین و به نظر جمع دیگری، این اتفاق در کرات دیگر پیش آمده و سپس از آن طریق به زمین منتقل شده است.

در ضمن، در فصول پیشین دیدیم که نه فقط ممکن است این اتفاق تاریخی در هر دو این مکانها اتفاق افتاده باشد، بلکه حتی احتمال تحقق آن در کرات دیگر کمتر از زمین نیست<sup>108</sup>. دستاوردهای علمی اخیر نیز

---

<sup>107</sup> ر. ک. به سرفصل "ادامه خلقت جهان در پی انفجار بیگ بنگ" در کتاب "فلسفه هستی و منشأ خلقت"، پیشین.  
<sup>108</sup> برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به ویکیپدیا، پیشین.

نظریه به وجود آمدن اولین سلولهای زنده در هر دو این مکانها را ممکن میدانند و حتی به وجود آمدن آنها در خارج از این کره را بیشتر و بیشتر تأیید میکنند. بدین معنی، اگر داده های علمی اخیر را در نظر بگیریم، این احتمال مطرح میشود که موجودات زنده ای در کرات دیگر این جهان پهناور،

1. هم به وجود آمده و،

2. هم همانند موجودات زنده در روی زمین به راه تکامل رفته اند.

\*\*\*

میدانیم که انسان در نوک یک خط تکامل کره زمین رشد کرده و این خط تکامل، در صورت وجود خطوط تکوینی دیگر، پرشتاب ترین خط تکامل کره زمین است. با این وجود، عمده شدن این خط تکاملی،

- به معنی رد امکان وجود خطوط تکاملی پیشرفته تر دیگر در کرات و فضاهاى کیهانی دور و نزدیک نیست.

در این رابطه، میدانیم که در صورت وجود خطوط تکاملی دیگر، این خطوط همانند شاخه های مختلف یک درخت به یکسان رشد نکرده و تکامل نیافته و نمی یابند. در نتیجه:

1. خط تکاملی انسان، تکامل یافته ترین خط تکاملی در کره زمین و همچنین انسان، پیشرفته ترین و تکامل یافته ترین موجود خط تکاملی خود است.

2. این احتمال وجود دارد که در آینده در نوک این یا خطوط تکاملی دیگر، موجودات هوشمند دیگری به غیر از انسان رشد و تکامل بیابند.

3. وجود انسان به عنوان تکامل یافته ترین موجود کره زمین به این معنی نیست که انسان حتماً تکامل یافته ترین موجود زنده در همه جهان یا در همه خطوط تکاملی جهان است.

4. همانگونه که یکی از خطوط تکاملی کره زمین تا به انسان هوشمند امروزی رسیده، احتمال دارد که خط یا خطوط تکاملی خارج از کره زمین نیز موجودات باهوش یا حتی خیلی باهوشتری را در نوک توسعه تکاملی خود پدید آورده باشند. در نتیجه، همیشه این احتمال وجود دارد که:

- از جایی از این جهان پهناور، موجودات زنده ای با زمین و زمینیان تماس بگیرند، و معلوم شود که این موجودات راه تکاملی خود را زودتر و سریع تر از انسان شروع و طی کرده، و حالا هم از نظر تکامل مغزی صدها، هزاران یا حتی میلیونها سال از انسان زمینی و تکاملش جلوتر اند.

\*\*\*

در ضمن، امروزه علم و فلسفه بشر، وجود و ادامه تکامل قانونمند در همه اشکال هستی را به اثبات رسانیده اند، اما با این وجود، هیچکدام از این مراجع:

- نشان نمیدهند که ما در همه جهان، اولین حلقه تکامل یافته تاریخی و اولین موجودی هستیم که تا به این جای بلند از تکوین و تکامل رسیده ایم.

آیا این راه تکوین و تکامل قبلاً به وسیله خطوط تکاملی و موجودات متکامل تری در خارج از این کره طی شده اند نیز هیچ پاسخی ندارد.

بدین ترتیب، این احتمال علمی و منطقی وجود دارد که ما تنها موجود تکامل یافته یک خط تکاملی پیشرفته نباشیم.

اما اگر ما در همه جهان اولین موجود تکامل یافته این خطوط نباشیم، که خلافتش به اثبات نرسیده، و اگر قبل از ما موجودات تکامل یافته تری در این یا آن ستاره و جرم کیهانی، و در نوک این یا سایر خطوط دیگر تکامل، رشد یافته اند، در آن صورت، این سؤال مهم مطرح میشود که:

- موجوداتی که در نوک خطوط تکاملی پیشرفته تری از خطوط تکاملی ما قرار گرفته اند، از نظر توانائی های علمی و فلسفی چه مسیری را و تا به کجا طی کرده، کرده بوده، یا میکنند.

- این موجودات تکامل یافته تر در گذشته یا حال از نظر علمی و فلسفی تا به کجا رسیده اند و چه نظریات و تئوریهائی را به ثبت رسانیده اند؟

میدانیم که خلق کردن موجودات زنده از مواد غیرزنده موجود، یکی از نمودهای اوج تکامل علمی و فلسفی بشر است. هم از این رو هم هست که مهمترین برتری بی که انسان هوموسپین از همان آغاز به خدا یا خدایان ساخته و پرداخته ذهنی اش نسبت داده، توانائی آفرینش و خلقت است. بر این اساس ادامه سؤالات بالا لزوماً به اینجا میرسد که:

1. آیا موجودات تکامل یافته تر ممکن و محتمل موجود در کرات دیگر به توانائیهای لازم برای خلق کردن موجودات زنده دیگر رسیده اند؟

و اگر آری،

2. آیا آنها نبوده و نیستند که تمام یا قسمتی از جهان ما و ما انسانها را خلق کرده یا به شکلی از اشکال، رل خالق یا انگیزه خلقت ما را بازی کرده اند؟

می بینیم که با رعایت این داده های علمی، این احتمال به طور جدی مطرح میشود که شاید پیشگامان تکامل کرات دیگر،

1. موجوداتی که شاید من و شما هم جزو آنها بوده و هستیم را خلق کرده اند یا،

2. سلولها، مولکولها یا تک یاخته های زنده اولیه را در این و سایر کرات دور و نزدیکشان کاشته اند.

\*\*\*

به خاطر یک چنین احتمالات علمی و منطقی هم هست که ما در بحث مربوط به ادعای مطلق بودن خدایان و الاهیها و الاهی های خالق مورد توضیح دادیم که:

● خلقت ما انسانها به دست موجودات تکامل یافته تر از ما به طور علمی و منطقی، هم ممکن و محتمل، و هم قانونمندتر از خلق شدن ما به دست یک یا چند خدا یا الاهی خالق مطلق مورد ادعائی است که هیچ منطقی هستی و خلقت شان را اثبات یا توجیه نمیکند.

بدیهی است که از نظر علمی و منطقی:

● احتمال خلق شدن به دست خالقانی که 1- شکلی از اشکال ماده اند و 2- تاریخی از رشد و تکوین در پشت سر دارند، به مراتب از احتمال ناممکن خدا و خدایان خالق که فاقد این شناسنامه هاینده، به مراتب بیشتر است.

در حقیقت، از نظر علمی و فلسفی نیز، احتمال خلق شدن ما به دست موجودات پدید آمده در طبیعت، بسیار بیشتر از احتمال خلق شدن ما به



دست موجودات مطلق مورد ادعائی است که گویا تافته ای جدا بافته اند و به طبیعت و هستی مادی موجود پیوند و تعلق ندارند. تکرار میکند از نظر علمی و منطقی نیز احتمال خلق شدن ما به دست موجوداتی که از تکامل طبیعی مادّه پدید آمده اند، نه تنها منع علمی و منطقی ندارند، بلکه حتی بسیار بیشتر از احتمال ناممکن خالقان مطلق است که بنا به ادعا از هیچ برآمده و در بیرون ماده و تحولاتش میزیند.

\*\*\*

بدین ترتیب، می بینیم که با دنبال کردن قانونمندیهای ناظر بر تکوین و تبدیل ماده، معلوم میشود که:

- هم وجود موجودات برتری در جایی از این جهان ممکن و قابل قبول به نظر میرسد و،
- هم این احتمال منطقی مطرح میشود که چنین موجودات احتمالی ممکن است به اطلاعات و دانشهای دسترسی داشته باشند که بسیار متعالی تر از اطلاعات، و دانش و دانائی بشر امروزی اند.

در این صورت، بدیهی است که اگر روزی این موجودات با ما انسانها تماس بگیرند و اطلاعات و دانشهای خود را در اختیار بشر زمینی قرار بدهند، ممکن است انسانهای هوشمند و هوشمندتر فردا و فرداهای ما زمینیان به آسانی بتوانند به بسیاری از سؤالات فلسفی موجود در مورد "ماهیت و منشأ هستی و پیدایش" پاسخ بدهند.

یک چنین اتفاقی، نه فقط خواهد توانست سطح آگاهی ما انسانها را به یکباره تغییر داده و به طور کیفی و ناگهانی بالا ببرد، بلکه همچنین سطح درک و فهم علمی و فلسفی موجود را به یکباره دچار تحولی جهشی کرده و به سالها و قرنهای دور آینده ملحق میکند. این نیز نه فقط

آگاهی معمول، بلکه حتی شکل برخورد بشر با حقیقت تونل زندگی را به تمامی دگرگون خواهد کرد و انسان را به یکباره از جهنم فلسفی موجودی که ناشی از ناآگاهی و بیخبری فلسفی است، رهائی خواهد بخشید.

